

ویرانه نامه
توقف ممنوع

رسانه تخصصی
پیشرفت

بهمن ۱۴۰۱

دورود

شماره اول

پیشرفت یا توسعه؟





دانشجو نیروی مورد امید یک کشور
است. دانشجو است که میتواند در مقابل
مشکلات بایستد؛ دانشجو، هم جوان
است، هم عالم است؛ اوست که فردای
کشور را باید اداره بکند، اوست که باید
آگاه باشد تا سنگر ایستادگی را در مقابل
زیاده خواهان و فرصت طلبان و دیگران
تقویت بکند، این باید محکم باشد.



عبدالله

۹۵/۰۴/۱۲



شناسنامه نشریه ::

گروه تحریریه:

علی سلطان محمدی / ورودی ۹۸ مواد



علیرضا تولا / ورودی ۹۸ مهندسی شیمی

مهدی رفیعی / ورودی ۹۹ مکانیک

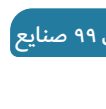


اشکان لازر / ورودی ۹۹ مهندسی شیمی

محمد علی رضاییان / ورودی ۹۹ برق



متین رخشانی / ورودی ۱۴۰۰ صنایع



محمد سعید پزشکی / ورودی ۹۹ صنایع



صاحب امتیاز: مجمع دفاتر فرهنگی
دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر مسئول: علیرضا علی اکبری

سر دبیر: محمد عیوض نژاد

ویراستار: محمد عیوض نژاد
علیرضا علی اکبری

صفحه آرا: محمد عیوض نژاد



نشریه دوربرد
مجمع دفاتر فرهنگی
دانشگاه علم و صنعت ایران



06

دانشگاه، موتور پیشران یا بنگاه آمار سازی؟!



08



امنیت غذایی



05

ترانزیت، راه حلی برای پیشرفت

13



نوآندیشی علمی

14

زنجیره ارزش در صنعت پتروشیمی



18

مزیت حمل و نقل دریایی ایران



20

توقف
معنوع

جهان سومی ها!!!

22

هویت



24

پیشرفت با توسعه؟!



دانشگاه، موتور پیشران یا بنگاه آمارسازی؟!

نویسنده:
مهدی رفیعی



بیان مسئله:

از مهم ترین مشکلاتی که امروزه در کشور دیده میشود، ایجاد روندی ناکارآمد برای تحصیل دانشجویان است، به نحوی که زمینه را برای انواع فسادهای مختلف و ناامیدی دانشجویان فراهم میکند که به جای پرداختن به رشد دانشجویان در ابعاد مختلف، دانشگاه را به محلی برای گذراندن بخشی از زندگی و فرار از سربازی و... تبدیل کرده است و خروجی آن نیز جوانانی هستند که صرفاً تعدادی واحد درسی گذرانده اند و تنها با افزایش اطلاعات خویش، دانشگاه را ترک کرده و استفاده ای از آموخته های خویش ندارند، یا زمینه را برای فعالیت خود فراهم نمی بینند و کشور را ترک میکنند. حال آنکه طبق سخنان مقام معظم رهبری، رسالت اصلی دانشگاه آن است که خروجی آن به قاعده، چمران باشد، نه این که امثال این بزرگان، استثنائاتی در تاریخ دانشگاه محسوب شوند. با بررسی دقیق تر مسئله، متوجه میشویم که وضعیت حاضر، از عوامل مختلفی متأثر شده است که به شرح آنها میپردازیم:

۱. از مسائلی که موجب ایجاد یک روند بیهوده در سیر تحصیلی افراد شده است، ارزش گذاری اشتباه برای مرتبه علمی است. به نحوی که امروزه می بینیم ملاک در تعیین مرتبه علمی اساتید و حتی جذب اعضای هیات علمی، تعداد مقالات و ارجاعات به آنهاست. این موضوع، موجب ایجاد روندی برای صرفاً تولید علم شده است، از طرفی فعالیت های پژوهشی و صنعتی انجام شده که در جهت حل مشکلات کشور گامی مثبت حساب میشود، جایگاه چندانی در ارزش گذاری نداشته و این موضوع موجب میشود تا دانشجویان بیشتر از آن که به مسائل و مشکلات موجود فکر کنند، دنبال نوشتن مقاله و در نهایت به دست آوردن مدرک و در بدترین حالت، مهاجرت از کشور باشند.

این روند تولید علم که صرفاً با هدف تولید علم و بدون نگاه به کاربردی بودن آن ایجاد شده و نتیجه آن نیز تدوین مقاله هایی است که صرفاً برای داشتن مقاله نوشته شده اند و ارمغانی جز پر کردن آرشو های دانشگاهی نداشته و تنها موجب اتلاف بخشی از عمر دانشجو شده و خروجی نیز برای کشور نداشته و مسیری اشتباه برای هزینه شدن بیت المال ایجاد میکند و در بدترین حالت نیز اثرات روانی برای دانشجو دارد که نمونه های آن را دیده ایم و نزدیک ترین نمونه آن، خودکشی دانشجوی دختر دکترای دانشگاه تهران است که حداقل در ظاهر بخاطر اسامی آورده شده در بخش نویسندگان پایان نامه بود.

مسیر مقاله ها باید در جهت رفع نیاز های کشور یا در جهت پیشروی در مرز علم و نو آوری های علمی باشد. با این تفاسیر، لزوم وجود مقاله را میتوان درک کرد، اما طبق شواهد، مسیر موجود جوابگوی این اهداف نیست. همچنین انتظار برای اصلاح برخی روند ها توسط مسئولین بالادستی نیز عموماً کارگشا نیست، جایی که از فعالیت های پژوهشی حمایت شده و معیار انتخاب هیات علمی این موضوع بوده است، افراد توانمندی به مجموعه اضافه شده اند و جایی که معیار رتبه بندی علمی، تعداد مقالات بوده، شاهد این هستیم که افراد توانمندی که فعالیت های قوی تری داشته اند، مرتبه علمی پایین تری نسبت به دیگران داشته اند.

۲. مسئله مهم دیگری که دیده میشود، نبود شفافیت در دانشگاهها است، جایی که عموم دانشجویان و افراد آن مطالبه شفافیت را دارند، اثر چندانی از شفافیت در فعالیت های آن دیده نمیشود، ساده تر بخواهیم بگوییم، خروجی فعالیت های دانشگاهی به مردم نشان داده نشده است و این موضوع، تصویر درستی از دانشجو برای جامعه ایجاد نکرده است.

مقاطع مختلف انجام میشود. پروژه هایی که میتواند در حل مشکلات کشور راهگشا باشد، اما به دلیل معرفی نشدن عمومی، کاربردی ندارد و صرفا به عنوان آرشيو در دانشگاه استفاده میشود و در همان مرحله پروژه باقی میماند. این موضوع خود میتواند متاثر از دو چیز باشد، اول، نبود نسبت بین پروژه های دانشجویی با مسائل کشور است، به این معنا که پروژه صرفا یک تولید علم غیرکاربردی است که با هدف نوشتن مقاله انجام میشود و نتیجه خاصی از آن انتظار نمیرود و دیگری هم نبود پل ارتباطی موثر و کارا بین صنایع مربوطه و گروهی است که پروژه را انجام داده اند. به این ترتیب اقدامات انجام شده و هزینه های صرف شده برای یک پروژه، بی نتیجه باقی مانده و چیزی جز هدر دادن منابع مالی و نیروی انسانی نداشته است.

راهبرد:

آنچه که میتواند برای مسائل بالا راهگشا باشد و افق جدیدی برای دانشگاه ایجاد نماید، در مرتبه اول شفافیت است. نمایش خروجی کار دانشجوی در مرتبه نخست به جامعه دانشجویی و سپس به صورت عمومی که میتواند مسیر مطالبه گری صنایع و مردم را از دانشگاه باز نماید، به قطع تاثیر قابل توجهی در مسیر زیست دانشگاه خواهد داشت و میتواند علاوه بر جذب حمایت مالی و پشتیبان اجتماعی برای فعالیت های سازنده، و نیز با اتصال فعالیت های دانشجویی به هم و تصحیح و تکمیل آنها و از انجام فعالیت های بیهوده، تا حد امکان پیش گیری کرد. مراد دیگر ما از شفافیت، شامل بازگویی و تبیین مشکلات اصلی و مسائل واقعی کشور برای دانشجویان، بدون ملاحظات بیهوده و آمارسازی های غلط که نتیجه ای جز به بیراهه کشاندن دانشجوی و هدر دادن توان او ندارد میباشد.

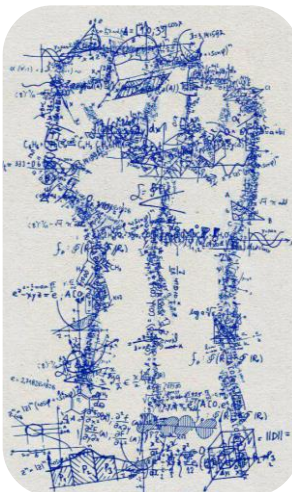
جای دیگری که شفافیت میتواند موثر باشد، شفاف سازی فعالیت اساتید است. از مسائلی که میتواند دغدغه های دانشجویان را به مسیر درست هدایت کند، تبیین نوع فعالیت و روند فعالیت های پژوهشی، تحقیقاتی و بعضا صنعتی اساتید است. همچنین با شفاف سازی فعالیت های استاد، امکان بهبود و بعضا اصلاح روند کاری استاد توسط همکاران و دانشجویان نیز ایجاد میشود که میتواند اقدام سازنده ای در راستای پیشرفت دانشگاه به حساب بیاید.

لازم به ذکر است که حمایت های مالی و شغلی بهتر و بیشتر از دانشجویان فعال و دغدغه مند، از بدیهیات راهبرد هایی است که باید برنامه ریزی، پیگیری و اقدام شود.

در همین وضعیت است که اگر کوچک ترین حاشیه و اعتراضی در دانشگاه صورت بگیرد، تصاویر آن به سرعت در فضای مجازی منتشر شده و تصویر نادرستی از فضای دانشجویی به جامعه نمایش میدهد. همین نبود شفافیت در خروجی دانشگاه، موجب میشود که مسیر هزینه شدن بیت المال نیز مشخص نباشد و این موضوع زمینه را برای سوء استفاده افراد مهیا میکند. به طور کلی اگر مسیر هزینه شدن پول مشخص نباشد، فساد به سادگی ایجاد میشود و قابلیت پیگیری نیز ندارد. زیرا مدارک مستند در دسترسی برای پیگیری این مسیر وجود ندارد. با عدم تبیین مسیر هزینه کرد بیت المال برای دانشجو، خود دانشجو نیز اهمیت و اندازه خود را درک نمیکند. عدم شفافیت این موضوع برای دانشجویان و تبیین نشدن ارزشی که کشور برای دانشجو قائل است و نیز عدم تفهیم درست نقش او در مسیر ایجاد پیشرفت، موجب ناقص ماندن شناخت دانشجو از هویت و جایگاه خود شده است. و نتیجه آن نیز میشود چریاتی که توان دانشجو را در مسیر اشتباهی هدر میدهد و قطعا دانشجویی که زمان و انرژی خود را در مسیر اشتباه هزینه میکند، برای موضوعات اساسی و تاثیرگذار در کشور نمیتواند وقت بگذارد و به این ترتیب، دانشگاه از مسیر اصلی خود که مسیر پیشرفت است، منحرف شده و این موضوعی است که قطعاً خواسته معاندین جمهوری اسلامی است.

۳. کشور ما به عنوان کشوری که سرمایه های انسانی و طبیعی بسیاری دارد، ظرفیت بسیار بزرگی برای پیشرفت و فعالیت دارد. اما امروزه می بینیم که خلا های اساسی و بزرگی در کشور دیده میشود که مهم ترین آنها، بیکار ماندن دانشجویانی است که پس از اتمام تحصیلاتشان، مشغول به کار نمیشوند، یا به دنبال مهاجرت هستند (البته قطعا مهاجرت مسئله بدی نیست و بستگی به هدفی دارد که

شخص از آن دنبال میکند) یا در بدترین حالت، تبدیل به کارمند ساده ای میشوند که در چرخه کار اداری، سرمایه ی خود را میسوزانند. از مهم ترین عوامل ایجاد این مشکل، نپرداختن به مشکلات کشوری در دانشگاهها است. قطعا از دانشجویی که از مشکلات کشور خبر نداشته باشد، نمیتوان انتظار داشت که برای حل آنها اقدامی بکند. بنابراین یکی از مهم ترین اتفاقاتی که باید در دانشگاه بیافتد، بیان مسائل کشور و و نیز برنامه ریزی و انجام اقدامات حمایتی در جهت تشویق دانشجویان برای ورود به حیطه حل مشکلات کشور است. یکی دیگر از عوامل ایجاد این مسئله، حمایت نشدن از پروژه های دانشجویی است که در





امنیت غذایی

نویسنده:

محمد علی رضاییان



وقتی صحبت از امنیت به میان می‌آید نمی‌توان از تهدید چشم‌پوشی کرد، گرانی مواد غذایی، واردات و وابستگی در کالاهای استراتژیک، آلودگی‌ها، افت استاندارد و نقص در نظام توزیع غذا از عوامل تهدیدکننده امنیت غذایی است.

سازمان فائو طی گزارشی اعلام کرد که برای تأمین غذای جمعیت ۹ میلیارد نفری جهان در سال ۲۰۵۰، باید دوبرابر میزان کنونی تولید کرد و برای رسیدن به این هدف باید موانعی مانند محدودیت زمین‌های کشاورزی، کمبود آب، قیمت بالای انرژی، افت سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیقات کشاورزی و افزایش ضایعات غذایی را در نظر داشت. سازمان فائو باتوجه به چشم‌انداز امنیت غذایی قرن ۲۱ جهان مربوط به کمبود مواد غذایی، تولید مواد غذایی را در قرن حاضر با مشکلاتی پیش‌بینی نموده است. از این‌رو رقابت بر سر زمین‌های کشاورزی و منابع آب، قیمت بالای انرژی و تغییرات آب‌وهوایی همگی نشان می‌دهد که باید با منابع کمتر، غذای بیشتری برای مردم سراسر جهان تولید شود.

طبق تعریف سازمان ملل امنیت غذایی به معنی دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای داشتن یک جسم سالم است و سه عنصر مهم آن؛ موجود بودن غذا (شامل میزان مواد غذایی در مرزهای ملی از طریق تولید داخلی و واردات مواد غذایی)، دسترسی به غذا (دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع، جهت تأمین اقلام غذایی موردنیاز جامعه) و پایداری در دریافت غذا (ثبات و پایداری دریافت ارزش‌های غذایی موردنیاز جامعه) هستند. از عوامل تأثیرگذار در امنیت غذایی یک جامعه می‌توان به درآمد خانواده، ذائقه و دانش تغذیه‌ای خانواده‌ها در نحوه تخصیص بودجه برای تهیه بهترین نوع غذای در دسترس و چگونگی تقسیم غذا در خانواده اشاره کرد. در حال حاضر در کشور با اختلاف عامل اول از اثرگذاری بیشتری برخوردار بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری خانواده دارد. دولت‌ها موظف‌اند نسبت به نوع مواد غذایی، میزان و قیمت آنها همیشه مطلع بوده و بررسی کنند که همه مردم به این غذا دسترسی داشته باشند و درآمدشان به قدری باشد که بتوانند این غذا را بخرند.



توسعه این صنایع به افزایش رفاه و دسترسی مردم به مواد غذایی کمک کرده و به طور کل امنیت غذایی را افزایش خواهد داد. در کشور ما به دلیل شرایط ویژه آب‌وهوایی، کشاورزی و دامداری در بخش تولید همواره از کم‌آبی رنج‌برده و این کلیشه تکراری به حدی آشنا است که در کتاب‌های درسی مدارس به هر بهانه‌ای بیان شده است. حال آنکه کمتر پیشرفتی در آن صورت گرفته و همچنان سهم عمده‌ای از مصارف آب (حدود ۹۰ درصد) مربوط به بخش کشاورزی است. این آمار در کنار بهره‌وری پایین این بخش بسیار نگران‌کننده بوده و نیازمند توجه جدی دانشگاه‌ها است، کاهش آب بری صنایع خصوصاً بخش کشاورزی در کنار افزایش بهره‌وری از آن دسته مسائلی است که جای کار بسیار دارد.



رشد پایدار در بخش کشاورزی، عاملی حیاتی برای تغذیه جهان در دهه‌های آتی و تکنولوژی رمز موفقیت و کانالیزور تغییرات در این حوزه است. حال مسئله این است که دانشگاهی با این قدمت، دارای ۱۳ دانشکده و ۴۳۰ نفر هیئت‌علمی و چند هزار نفر دانشجو چه نقشی می‌تواند در پیشرفت بخش کشاورزی کشور داشته باشد؟ جالب است بدانید کاهش چند درصدی قیمت یک فراورده غذایی از قبل نوآوری و بهینه‌سازی در فرایندها می‌تواند سبد غذایی یک دهک را دستخوش تغییر کند. به شرایطی فکر کنید که تحقیقات شما بتواند هزینه تولید در کشور را کاهش دهد! در نگاه اول ممکن است برسید دانشگاه ما دانشکده کشاورزی ندارد ما چه نقشی می‌توانیم در این مسئله بازی کنیم؟

در این راستا در این شماره و در سلسله مطالب آتی سعی شده تا با مصاحبه با فعالان این حوزه از رشته‌های مختلف به تبیین فرصت‌های موجود در صنایع غذایی و صنایع مادر آن یعنی کشاورزی بپردازیم.

ابتدا بد نیست به تعریف کلی صنایع غذایی بپردازیم، صنعت غذایی به شبکه پیچیده از مشاغل گوناگون می‌گویند که بیشتر مواد غذایی مصرفی مردم جهان را تأمین می‌کند. عبارت «صنایع غذایی» مجموعه‌ای از فعالیت‌های صنعتی را شامل می‌شود که در تولید، پخش، تبدیل، تهیه، نگهداری، ترابری، صدور گواهی‌نامه، فراوری و بسته‌بندی مواد غذایی فعالیت دارند.





نویسنده:
محمد عیوض نژاد



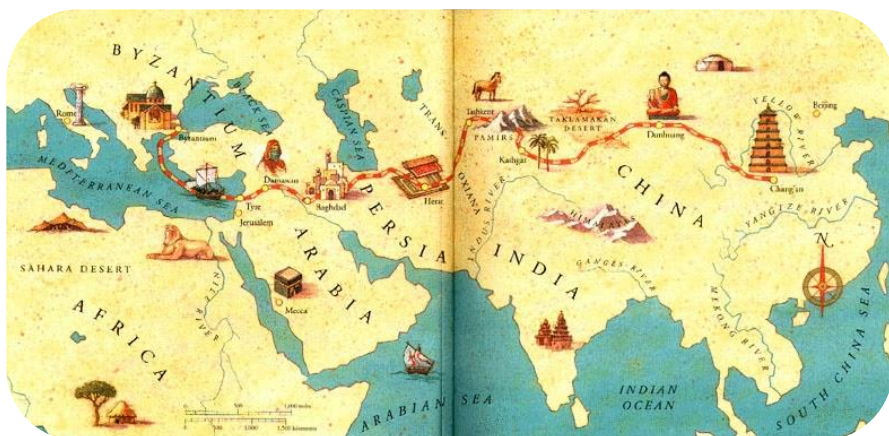
اهمیتی به شمار می رفت. در همین راستا، در دوران هخامنشیان و به دستور داریوش، راه شاهی بعنوان نخستین شاهراه بین المللی تاریخ ساخته شد. این شاهراه، ترکیه مرکزی، ارپیل عراق، هرات، قندهار و هند را به اکباتان و تخت جمشید متصل می کرد و در شرق به چین می رسید. اما اقدامات ایرانی ها به همینجا محدود نمیشد؛ داریوش اول پس از فتح مصر، دستور بازگشایی کانال سوئز را داد و ضمن بازگشایی آن کتیبه هایی را در اطراف آن باقی گذاشت که این آثار باقی مانده، حکمرانی ایرانی ها را بر مصر در آن دوران ثابت میکند.

بواسطه این کانال رود نیل به دریای سرخ و در ادامه به خلیج فارس متصل میشود. هدف داریوش از حفر این کانال، اتصال سواحل شرقی و غربی دریای سرخ به هند و ایران، برای پیشبرد اهداف سیاسی، نظامی و بخصوص رونق اقتصادی و تجاری بود. با تصرف ایران بدست اسکندر مقدونی، توسعه اهداف استراتژیک با

واژه Transit یک واژه لاتین هست که در انگلیسی و فرانسوی به معنی جابجایی، عبور دادن و انتقال دادن افراد یا اشیاء از یک نقطه به نقطه ای دیگر می باشد. خیلی از افراد ترانزیت را معادل صادرات و واردات میدانند. اما در عرف گمرکی، ترانزیت به جابجایی ای گفته میشود که مرسوله از مبدا کشور دیگری وارد و به مقصد کشوری دیگر خارج می شود.

ترانزیت یکی از منابع درآمدی پایدار برای هر کشوری است که توسعه آن علاوه بر آورده های مالی، مزیت های امنیتی و سیاسی بسیاری را برای دولت ها به همراه دارد. منطقه پیرامونی ایران همواره در کانون مهم ترین مسیر های ترانزیتی قرار داشته است و بسیاری از کارشناسان، پیشینه ترانزیت در ایران را سرآغازی بر ترانزیت بین الملل جهان عنوان میکنند.

از ابتدای تمدن بشری، و بخصوص در دوران امپراطوری هخامنشیان، بدلیل گستردگی قلمرو امپراطوری ایران، راه سازی و تسهیل حمل و نقل کالا و مسافر برای تجارت و حفظ امنیت کشور موضوع پر





و کودتاهای عراق و روی کار آمدن صدام در غرب ایران، همه و همه موجب توقف پیشرفت اقتصادی کشور های منطقه و به خصوص ایران شد.

اما این شرایط سخت پایدار نبود. پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی موجب ناکارآمدی شبکه حمل و نقل تعریف شده میان جمهوری های آن شد.

هم اکنون نیز با آغاز تحریم ها علیه روسیه و همچنین اعمال ممنوعیت ترانزیت برای کشورهای غیر دوست توسط روسیه، مسیر ترانزیت کالا از شرق و مرکز آسیا به اروپا از طریق روسیه با چالش های جدی مواجه شده است.

همچنین با تغییر بازار های جهانی به چین، آسیای جنوب شرقی و خلیج فارس، چین علاوه بر مسیر دریایی برای تجارت با اروپا بدنال راه زمینی ایمن تر، سریع تر و ارزان تر است. همچنین کشورهای آسیای میانه، که دارای ذخایر غنی معدنی هستند، بجهت محصور بودن در خشکی، به مسیر مطمئن و امن برای تجارت با اروپا و آفریقا نیازمند هستند.

در شرایط حاکم بر دنیای امروز، با وجود تنگنا های فراوان اقتصادی برای ایران، اما میتوان با اتخاذ تصمیمات درست، و استفاده از فرصت های طلایی بوجود آمده موجب رشد و شکوفایی اقتصادی و جبران عقب ماندگی های گذشته شد.

برای شناخت موقعیت ترانزیتی ایران، بهتر است تا کردیدور های عبوری از ایران و همچنین برخی کردیدور

کندی مواجه شد، اما با روی کار آمدن اشکانیان، این اهداف دوباره پیگیری و با تکمیل راه شاهی که بعد ها راه ابریشم نام گرفت ادامه یافت.

در آن زمان امپراطوری هان در چین و امپراطوری روم در غرب حکمرانی میکرد. و این جاده مسیر اصلی ترانزیت کالا از شرق آسیا و آسیای میانه به غرب و اروپا بود. جاده ابریشم از چین شروع و با عبور از قلمرو ایران (سمرقند، ایران، دریای سیاه و بنادر سوریه و...) از طریق دریا به یونان و روم متصل میشد.

شکل گیری اولین گمرک را میتوان به همین دوران نسبت داد. در آن زمان آنچه وارد کشور می شد، در دفاتر مخصوص ثبت و از صاحبان آن ها حقوق معینی دریافت میشد.

اما رفته رفته اوضاع تجاری نیز بواسطه تغییرات حکمرانی در آسیا، تغییر کرد. در شرق آسیا پس از نابودی سلسله هان در چین و شکل گیری حکومت استبدادی، تجارت این کشور محدود شد؛ بعد ها ظهور امپراطوری عثمانی در شمال غرب ایران، موجب قطع ارتباط تجاری کشور با اروپا شد. حضور پرتغالی ها در خلیج فارس و حضور انگلیسی ها در هند با هدف استعمار، ترانزیت کالا در منطقه را با افت شدید مواجه کرد. در اوایل قرن بیستم شکل گیری اتحادیه جماهیر شوروی و آغاز جنگ سرد ترانزیت کالا از شمال ایران را تقریباً بطور کامل قطع کرد.

جنگ در افغانستان و مناقشات هند و پاکستان در شرق

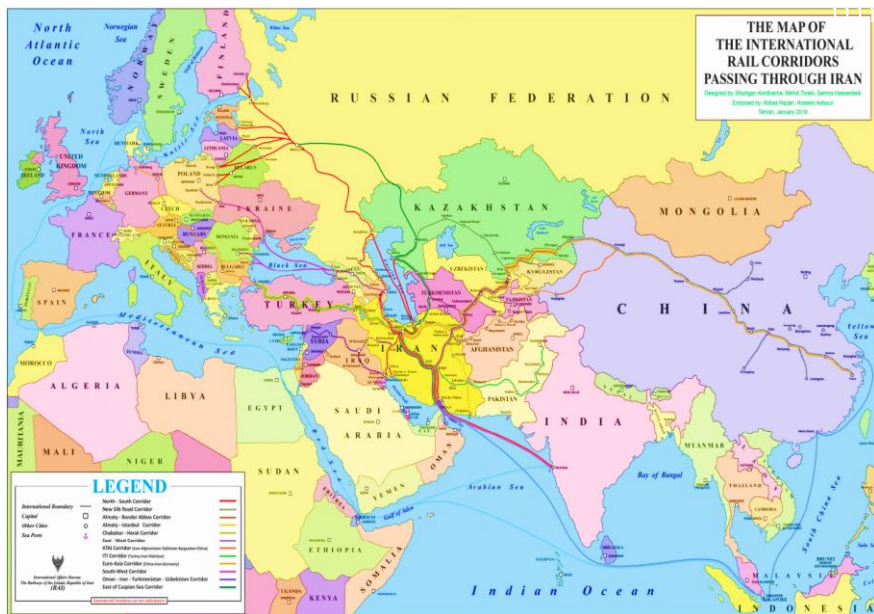
در این بین کریدور های شمال-جنوب ، کریدور چین-آسیای میانه-آسیای غربی(کمر بند و راه یا جاده ابریشم نوین) ، کریدور اسلام آباد-تهران-استانبول و کریدور ایران-عراق-سوریه از اهمیت و منافع بسیاری برای ایران برخوردار هستند. همچنین با شرایط بوجود آمده بواسطه جنگ روسیه و اوکراین، روسیه بدنبال ایجاد مسیر ترانزیتی جدید از بندر روسیه در دریای بالتیک تا خلیج فارس در جنوب ایران است. لازم بذکر است با غفلت چندین ساله ایران در توسعه، تکمیل و بهبود شرایط سیر بار در کریدور های داخلی و توجه ویژه رقبا ایران در ربودن گوی میدان از کشور، باید گفت که این تعلل ها برای کشور بی هزینه نبوده و امروز، ایران خود را در حصار کریدورهای رقیب میبیند در شرایطی که روز به روز مزیت های ترانزیتی ایران توسط این کریدورها مکیده میشوند، اما با این حال نمی توان گفت که پنجره فرصت بسته شده است؛ نباید فرصت های طلایی پیش رو را مخصوصا در شرایط حکمرانی جدید منطقه و اتفاقات اخیر در افغانستان و روسیه از دست بدهیم.

در شماره های بعدی بطور جامع تر به مزیت های توسعه ترانزیت، چالش های آن و فرصت های پیش رو خواهیم پرداخت...

های رقیب که از کشور های دیگر عبور میکنند را بررسی کنیم.

هشت مسیر ترانزیتی عمده در منطقه پیرامونی ایران قرار دارد. در یک دسته بندی میتوان این کریدور ها را به کریدورهای شمالی-جنوبی و شرقی- غربی تقسیم بندی کرد. بر این اساس پروژه های ترانزیتی، بندر چابهار به افغانستان، گذرگاه اقتصادی چین پاکستان، گذرگاه بین المللی شمال-جنوب و گذرگاه فرا افغان در زمهره مسیر های شمال-جنوبی قرار دارد و مگا پروژه کمر بند و راه (راه ابریشم)، گذرگاه اسلام آباد-تهران-استانبول، گذرگاه تراس کاسپین و گذرگاه اقتصادی خلیج فارس-مدیترانه (ایران-عراق-روسیه) در دسته مسیر های شرقی-غربی دسته بندی می شود.

از منظر دیگر، این گذرگاه ها به مسیر های عبوری از ایران و غیر عبوری از ایران تقسیم می شوند. نکته قابل توجه، این است که میتوان عمده مسیر های غیر عبوری از خاک جمهوری اسلامی ایران را اساساً مسیر هایی دانست که در جهت رقابت با مسیر های عبوری از ایران طراحی شده اند تا منافع ایران را به چالش بکشند. اما آنچه قابل کتمان نیست قرار گیری ایران در منطقه برخورد کریدور های شرقی-غربی و شمالی-جنوبی است و این، آن امتیازی است که هیچ گاه نمیتوان آنرا از ایران سلب کرد.





نویسنده:
علیرضا علی اکبری



نواندیشی علمی

#قدرت_علمی و #جرئت_علمی

ارتباط با صنعت دانشگاه باشد که این اتفاق، متأسفانه آن‌گونه که باید و شاید، تا اکنون صورت نگرفته است.

دلیل اینکه این اتفاق رخ نداده است این است که دفاتر ارتباط با صنعت، در جای خود نشسته‌اند تا پروژه‌ای از طرف صنعت بیاید و آن‌ها را به سمت خود بخواند، و این انفعال، سبب شده است که دانشگاه علم و صنعت، که یکی از صنعتی‌ترین دانشگاه‌های کشور است نیز، موضوع پروژه‌هایش، با صنعت کشور و مسائل اصلی و فعلی کشور بیگانه باشد و یک سری تئوری‌هایی که مسئله روز پایان نامه‌های دنیاست اما لزوماً تناسب چندانی با کارآمدی در صنعت کشور ندارد، انتخاب بشود. این طرز و این شیوه مدیریت باعث پیشرفت علمی کشور ما نخواهد شد.

یک دانشجوی ارشد و دانشجوی کارشناسی، باید بتواند به خود جرئت ورود به مباحث روز کشور را بدهد. تسهیل مسیر توسط اساتید، لازمه‌ی وقوع این مهم است، و این فرآیند است که تکمیل‌کننده‌ی چرخه‌ی نسبت‌گیری دانشجو و دانشگاه با مسائل کشور می‌باشد. نسبت‌گیری‌ای که سبب ورود دانشجویان و جوانان به میدان، و شتاب یافتن حرکت کشور برای تحقق چشم‌اندازهای روشن و دست یافتن به آرزوهای دوربردمان می‌باشد.

آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی، وظیفه آرمانی محسوب می‌شود؛ این است که در زمینه مسائل علمی، نو اندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری عملی در درجه اول اهمیت است. برای نوآوری علمی دو چیز لازم است؛ یکی قدرت علمی و دیگری جرئت علمی.

قدرت علمی مولفه‌ی مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای بدست آوردن قدرت علمی، لازم است؛ اما کافی نیست. چه بسا کسانی که قدرت علمی دارند اما نیروی کشش لازم را برای جلوبردگی قطار علم، ایجاد نمی‌کنند و ذخیره علمی آن‌ها هیچ کجا کاربرد ندارد و ملت خود را به اعتلا نمی‌رسانند. پیشرفت کشور نیاز به نو اندیشی علمی و هم چنین جرئت علمی دارد.

در دانشگاه، مسائلی که به پایان نامه‌ها اختصاص داده می‌شود، به طور معمول برخاسته از نیاز فعلی کشور نیست.

اگر مسائل و همچنین پایان نامه‌ها از صنعت نشأت بگیرد و بر اساس صحنه‌ی حاکم بر صنعت و مشکلات صنعتی، تدوین و تعریف شده باشد، منجر به پیشرفت در زمینه‌های مختلف، علی‌الخصوص در صنعت و همچنین در دانشگاه خواهد شد. پرچم داران این قضیه، باید معاونت پژوهش و فناوری و دفاتر

زنجیره ارزش در صنایع پتروشیمی

نویسنده:
اشکان لازر



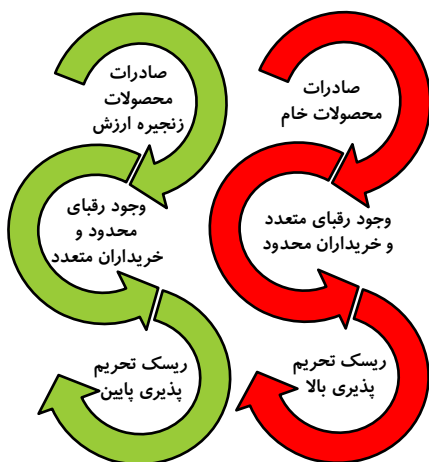
ضرورت توسعه زنجیره ارزش نفت و گاز :
علی رغم اعمال تحریم های ظالمانه علیه کشور در سال های اخیر، صنعت پترو شیمی همچنان یکی از منابع اصلی تامین ارز کشور بوده است. در برنامه ششم توسعه تصریح شده است که زنجیره ارزش صنعت گاز و نفت تکمیل شود تا از خام فروشی نفت خام و میعانات گازی در حد امکان جلوگیری شود و مواد پایین دستی با ارزش افزوده بالاتر تولید گردد. این مسئله از جهات مختلف نظیر اشتغال زایی، افزایش درآمد ارزی کشور، عدم واردات، رفع تحریمها و تاثیرگذاری منطقه ای اهمیت دارد. باید توجه کرد که هرچه کشور از خام فروشی فاصله بگیرد، کمتر از تحریمها تاثیر میپذیرد. زیرا مواد خام مانند نفت دارای مشتری محدود و فروشندگان بسیار هستند؛ درحالی که مواد فرآوری شده نظیر موادشیمیایی دارای مشتریان بسیار و تولیدکنندگان محدود میباشند. به عنوان نمونه اگر نفت ایران دچار تحریم شود، کشورهای مصرف کننده سریعاً میتوانند برای آن جایگزین پیدا کنند و کشورهای تولیدکننده نفت در جهان با افزایش ظرفیت تولید خود خلاء صادرات نفت ایران را پر میکنند؛ در حالیکه جایگزینی محصولات مانند مواد شیمیایی و پلیمری به علت تقاضای بالای جهانی، همانند نفت وجود ندارد و مصرف کننده مجبور به خرید از کشور تحریم شده خواهد بود. صنعت پتروشیمی میتواند محرک صنایع پایین دستی نظیر نساجی، خودرو، لوازم خانگی، پلاستیک، کشاورزی و ... باشد.

صنعت پتروشیمی از بزرگترین زنجیره های ارزش تولید در بین صنایع مختلف جهان به شمار میرود. از طرفی محصولات این صنعت به عنوان مواد میانی و واسطه های صنایع دیگر همچون صنایع خودرو، صنایع غذایی، نساجی، لوازم خانگی، بسته بندی، مبلمان، رنگ و رزین، چسبها، کود و سموم شیمیایی، حلالها، داروهای شیمیایی، شوینده ها، محصولات آرایشی- بهداشتی، صنعت برق و الکترونیک و... محسوب میشود. صنایع تکمیلی پتروشیمی، ضمن تحویل مواد شیمیایی یا پلیمری از صنایع بالادستی و میانی پتروشیمی آن را به محصول یا کالای مصرفی برای استفاده مصرف کننده تبدیل میکنند. از این جهت صنعت پتروشیمی را پیشران صنایع دیگر میدانند. عموماً سهم تجارت بین المللی در صنعت پتروشیمی در دنیا ناچیز بوده و بسیاری از تولیدات زنجیره به عنوان محصول میانی در تولید سایر محصولات تکمیلی (پایین دست) آن استفاده میشود. صنایع پایین دست پتروشیمی، توان ایجاد ارزش افزوده بالاتر و اشتغال زایی بیشتر را دارند. از طرف دیگر، این صنایع، امکان دستیابی به صادرات متنوع تر و پیچیده تری را فراهم می آورند.



زنجیره تولیدات صنعت پتروشیمی

بی اثر کردن تحریم های نفتی



تحریم پذیری محصولات خام و مواد تولیدی زنجیره ارزش پتروشیمی

صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا کشور ما جز صادر کنندگان نفت خام در دنیا به شمار میرود. نفت خام با قیمت ۶۲ دلار در هر بشکه معادل ۴۵۵ دلار بر تن خواهد بود. اگر نفت خام در پالایشگاه ها تبدیل به نفتا شود قیمت آن به ۶۵۵ دلار در تن افزایش میابد. اگر نفتا به عنوان خوراک واحد های پتروشیمی کراکر بخار (الفین ها) و واحد های پتروشیمی آروماتیکی مصرف شود ارزش محصولات نهایی شیمیایی به حدود ۱۳۵۰ دلار بر تن خواهد رسید. در صورت استفاده از محصولات پتروشیمی در صنایع پایین دستی پتروشیمی نظیر خودروسازی، نساجی، کامپوندسازی و ... ارزش محصولات از ۱۸۰۰ دلار بر تن عبور خواهد کرد. درآمدزایی بخش خصوصی، ایجاد ارزش افزوده در محصولات، افزایش تولید ناخالص ملی کشور و جلوگیری از واردات از مزئیهای ادامه زنجیره ارزش مواد پتروشیمی تا صنایع پایین دستی است.

هرچه کشور از خام فروشی فاصله بگیرد کمتر از تحریم ها تاثیر خواهد پذیرفت. زیرا مواد خام مانند نفت دارای مشتری محدود و فروشندگان بسیار و مواد فرآوری شده نظیر مواد شیمیایی و پلیمری، دارای مشتریان بسیار و تولیدکننده محدود هستند. به عنوان مثال، پس از خروج آمریکا از برجام و تحریم نفت ایران، با توجه به تعدد فروشندگان نفت، کشورهای مصرف کننده سریعاً برای نفت ایران جایگزین پیدا کرده و کشورهای تولیدکننده نفت در جهان نیز با افزایش ظرفیت تولید خود، خلاء صادرات نفت ایران را پر کردند؛ در حالیکه محصولاتی مانند مواد شیمیایی و پلیمری در همین دوره صادر شد و قابل تحریم نبود؛ زیرا جایگزین محصولات شیمیایی و پلیمری ایران همانند نفت وجود نداشت و مصرف کنندگان اصلی محصولات شیمیایی و پلیمری مجبور به خرید از ایران بودند.

جهش تولید در صنایع اشتغال زا

مطابق با گزارش مرکز پژوهش های مجلس، میزان اشتغال زایی در صنایع بالادستی پتروشیمی ها صنایع میان دستی و صنایع تکمیلی (پایین دستی) در جدول نشان داده شده است که بیشترین اشتغال زایی مربوط به صنایع تکمیلی است. واحدهای موجود پایین دستی نیز با نرخ عملیاتی کمتر کار میکنند. بنابراین، توسعه پایدار صنعت پایین دستی نیاز به تامین نهاده مطمئن در داخل دارد و برای توسعه پایدار صنایع پاییندستی و اشتغال زا، تامین خوراک این صنایع در داخل کشور توسط واحدهای بزرگ پتروشیمی یک ضرورت است.

جدول ۱: میزان اشتغال زایی نسبت به سرمایه گذاری در صنایع بالادستی، میان دستی و پایین دستی پتروشیمی

شرح	اشتغال (نفر)	سرمایه گذاری ثابت (میلیون دلار)	سرانه اشتغال (۱۰۰۰ دلار بر نفر)
صنایع بالادستی	۵۰۰	۴۷۰	۹۴۰
صنایع میان دستی	۲۲۰۰	۱۷۰۰	۷۷۳
صنایع پایین دستی	۲۰۰۰۰	۴۲۸۰	۲۱

آن رو
آن رو
پایان



ما داریم در دامنه حرکت میکنیم. ما هنوز
به قله نرسیده ایم؛ با آن فاصله داریم.

با این ممنوعیتهاست که
میتوانیم به قله برسیم

دریای عمان

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱۳۹۱/۰۳/۱۴



به فک

زی که ملت ایران به قله برسد، دشمنی‌ها تمام خواهد شد.
 زی که ملت ایران به قله برسد، معارضه‌های خبثات آلود به
 خواهد رسید. ما تا آن روز فاصله داریم. حرکت را باید
 بی‌وقفه ادامه دهیم.

در راه پیشرفت

توقف ممنوع

خودشیفتگی

ممنوع

غفلت ممنوع

لذت‌جویی

ممنوع

اشرافیگری

ممنوع

گرم کردن زخارف دنیا افتادن

برای مسئولین ممنوع

مزیت حمل و نقل دریایی ایران



مهندس علی ضیایی در گفتگو با تین نیوز
معاون بخش ترانزیت اندیشکده ایتان
و دانش آموخته دانشکده راه آهن دانشکده علم و صنعت

ارتباط کشورهای آسیای میانه با خلیج فارس و همچنین برقراری رابطه تجاری بین شرق آسیا با کشورهای اروپایی از طریق ایران بسیار مقرون به صرفه است، به نحوی که بسیاری از این کشورها به دنبال آن هستند تا چنین روابطی را از طریق ایران برقرار کنند.

ظرفیت حمل و نقل دریایی ایران

ایران دارای ۱۱ بندر بازرگانی با ظرفیت ۱۸۶ میلیون تن کالا است. همچنین تمام ناوگان‌های جمهوری اسلامی توان جابجایی بیش از ۶.۵ میلیون تن کالا را در سطح بین المللی دارند. با اینکه وسعت دریایی ایران بیش از وسعت دریایی کشورهای حوزه خلیج فارس است، اما جایگاه حمل و نقل دریای کشور در بین این کشورها هنوز پایین‌تر بوده و آن‌ها کالای بیشتری را جابه‌جا می‌کنند.

انواع روش‌های حمل و نقل دریایی ایران

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب امکان انجام تمام روش‌های حمل و نقل دریایی را دارد؛ در ادامه برای درک بهتر به چند مورد بصورت کوتاه اشاره می‌کنیم.

روش کراس حمل و نقل کراس‌استافینگ
(Cross Stuffing)

این روش زمانی به کار برده می‌شود که امکان ارسال کالا از طریق دریا به کشوری میسر نباشد؛ به گونه‌ای که کالا ابتدا از راه زمینی وارد بندر شده و سپس کانتینر آن به کشتی ترانزیت منتقل می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران ازجمله کشورهایی است که به لحاظ قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی مناسب از مزایای ترانزیتی خوبی بهره‌مند است. ایران ازجمله کشورهایی است که به لحاظ قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی مناسب از مزایای ترانزیتی خوبی بهره‌مند است و با گسترش شبکه حمل و نقل و ارتباط مطمئن و کارآمد می‌تواند از این مزایا در راستای افزایش درآمدهای ارزی و ارتقای موقعیت استراتژیک خود در منطقه به نحو مطلوب استفاده کند.

خلیج فارس در جنوب ایران، کشور های عمده تولید کننده نفت جهان را در خود جای داده است. این منطقه گلوگاه انرژی جهان محسوب می‌شود.

در شمال ایران نیز دریای خزر که بهترین پل ارتباطی میان کشورهای ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان است می‌تواند نقش مهمی در تجارت میان این کشورها ایفا کند. از سوی دیگر ایران از غرب و شرق نیز با کشورهای عراق، ترکیه، پاکستان و افغانستان همسایه است.

به عبارتی ارتباط ایران با ۱۵ کشور جهان از طریق مرزهای آبی و خاکی برقرار می‌شود و می‌تواند نقش پل ارتباطی میان این کشورها را (با یکدیگر و سایر مناطق جهان) ایفا کند. از طرف دیگر این کشورها جمعیت بزرگی را در خود جای داده و از درآمدهای زیادی نیز برخوردارند که این عامل نیز به نوبه خود علاوه بر دراختیار داشتن منابع و ثروت‌های ملی خدادادی می‌تواند عامل توسعه ترانزیت و تجارت در منطقه باشد.

نهادهای مسئول و همچنین فورواردرها در بخش خصوصی در صورت اهتمام می‌توانند ایران را به‌عنوان یکی از ارکان کریدور شرق-غرب و راه ابریشم مطرح سازند.

شاید بتوان این شرایط را پس از فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای محصور در خشکی بهترین فرصت برای ترانزیت ایران دانست. پس از فروپاشی شوروی کشورهای محصور در خشکی در همسایگی کشور به وجود آمدند که برای گسترش اقتصاد خود نیازمند عبور از ایران برای دسترسی به آب‌های بین‌المللی بودند، اما در آن زمان به دلیل اتکای اقتصاد ایران بر فروش نفت خام، توجه مناسبی به این فرصت بزرگ اقتصادی نشد.

باوجود اینکه در ۳۰ سال گذشته ایران این فرصت را مغتنم نشموده است، هم‌اکنون پنجره فرصت دیگری به روی ترانزیت کشور باز شده که باید آن را غنیمت شمرده و از تکرار اشتباهات گذشته اجتناب کرد.

در حال حاضر سالانه حدود ۳۰۰ میلیون تن کالا به موازات کریدور شرق-غرب ایران بین کشورهای مختلف تبادل می‌شود که فقط حدود ۱۳۰ میلیون تن از آن متعلق به مسیر چین-اروپا-چین است.

پس از عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، ارتباط ایران و ترکمنستان که یکی از همسایگان کلیدی ایران در کریدور شرق-غرب و شمال-جنوب است، پس از چند سال تیرگی به سمت افق‌های روشنی حرکت کرد. درصورت ادامه روند تعمیق همکاری‌های ایران و ترکمنستان و برقراری سیر قطارهای ترانزیتی بین ایران و چین از طریق این کشور، کریدور شرق-غرب ایران می‌تواند در مسیر تحقق قرار بگیرد.

در حال حاضر دستگاه‌های مرتبط با ترانزیت در داخل کشور باید اهتمام خود را بر مانع‌زدایی و تسهیل برقراری جریان‌های ترانزیتی از کشور معطوف سازند. دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی باید تعاملات ترانزیتی را جزو اولویت دارترین کارویژه‌های خود قرار داده و پتانسیل ترانزیت مانند درآمد‌های نفتی مورد توجه قرار گیرد.

روش حمل و نقل چارترینگ (Chartering) یکی‌دیگر از انواع روش‌های حمل‌ونقل دریایی ایران روش چارترینگ است. از این روش زمانی استفاده می‌شود که بارها بسیار بزرگ و حجیم باشند و امکان بسته‌بندی آن‌ها وجود نداشته باشد. برای حتماً باید کشتی‌های باربری اجاره شوند.

روش حمل و نقل ترانشیپ (Transshipment) در این روش از حمل و نقل، کالاها از یک کشتی به کشتی دیگر منتقل می‌شوند. زمانی این روش اتخاذ می‌شود که یک بندر به‌صورت مستقیم قادر به حمل دریایی کالا نباشد، به‌گونه‌ای که ممکن است فضای کافی برای ورود کشتی‌های ترانزیتی نداشته باشد.

روش حمل و نقل گروپاژ (groupage) یکی از روش‌های رایج در حمل‌ونقل دریایی ایران روش گروپاژ است. در این روش چند تاجر با یکدیگر قرارداد امضا کرده و کالاهای خود را به صورت گروهی از طریق یک کشتی ارسال می‌کنند. همچنین می‌توان کوچک‌ترین کالاهای خود را از طریق این روش ارسال کرد. اینکار باعث می‌شود تا هزینه‌های ترانزیت بار برای تاجران به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد.

روش حمل و نقل کالاهای فله‌ای (Bulk) روش حمل‌ونقل کالاهای فله‌ای شباهت زیادی به چارترینگ دارد با این تفاوت که هر کالایی چه کوچک و چه بزرگ بدون بسته‌بندی و به صورت فله‌ای ترانزیت، اما بیشتر کالاهای کوچک از طریق این روش ترانزیت می‌شود.

مزیت حمل‌ونقل دریایی ایران با توجه به موقعیت راهبردی و ترانزیتی کشور، فرصت‌های زیادی برای رونق صنعت حمل‌ونقل دریایی ایران وجود دارد، به‌گونه‌ای که با قرار گرفتن در مسیر راهروهای ترانزیتی شمال-جنوب، امکان برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه، آسیای میانه و قفقاز، اروپای شرقی و اروپای مرکزی به آسیای جنوب و خاور دور از طریق آب‌های ایران میسر است. همچنین، به دلیل قرار گرفتن ایران در مرکزیت جغرافیایی کشورهای عضو سازمان همکاری و اقتصادی اکو (ایران، ترکیه، پاکستان در جایگاه هسته‌های اولیه این گروه) فرصت‌های همکاری زیادی وجود دارد. این امر سبب می‌شود تا کسب درآمدهای ترانزیتی ایران بسیار افزایش یابد و به رشد اقتصاد کشور کمک کند.

توسعه ترانزیت ریلی میان چین و اروپا، یکی از بهترین فرصت‌ها برای احیا و رشد ترانزیت ایران است.

جهان سومی ها !!!

نویسنده:

علیرضا تولا



سومی ها خیلی انسان های جالبی هستند! یک ویژگی جالب جهان سومی ها این است که از خودشان چیزی ندارد و برای دیگران زندگی می کنند. به همین دلیل یکی از ارزش های مهم جهان سومی ها دیده شدن است ، این انسان ها در یک روز می توانند از فرش به عرش برسند و بالعکس ، مثلا کافی است فقط یک بار جلوی دوربین تلویزیون قرار گیرند.

در این جوامع معیار اعتبار و صحت کلام تعداد دنبال کنندگان یا به قولی فالوور است ، با رسیدن تعداد فالوور به حدهایی معین، گویی قفل اظهار فضل در تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و علمی و فرهنگی و ... فارغ از وجود یا عدم وجود تخصص در آن زمینه برایشان باز می شود و مخاطب این بزرگواران هم چون از جنس صاحب سخن و جهان سومی هستند به این مسئله ضریب می دهند.

یکی از آفت های این اتفاق که اکنون نیز به شدت با آن دست و پنجه نرم میکنیم ، سیاه نمایی منجر به مغفول ماندن اتفاقات مثبت در کشور است. اتفاقاتی که می تواند امیدوارمان کند، باید تبیین شود، باید صحنه ای امیدواری ترسیم شود، باید به نقاط روشن توجه شود و در کنار تمام این مسائل منکر وجود عیب ها و نقص ها نشد و در مسیر حل مسائل کشور توقف نکرد ... باید امیدوار بود.

جهان سومی ها گونه ای خاصی از انسان های روی زمین اند ، این آدم ها از بدو تولد خیال می کنند انسان های درجه دومی هستند ، خیال می کنند برای متمدن شدن باید دنبال روی کسانی باشند که اسمشان جهان اولی است ، ابعاد جعبه خیال و تصور جهان سومی ها به اندازه جعبه ایست که جهان اولی ها ساخته اند.

جهان سومی ها در هر جایی ممکن است یافت بشوند ، داخل بازار، داخل کارخانه یا داخل دانشگاه! جهان سومی ها اعتبار و ارزششان به چیزهایی است که جهان اولی ها ارزش گذاری کرده اند، گاه می تواند تکه کاغذی به اسم دلار باشد که صرفا یک کاغذ است، یا تکه کاغذی به اسم آی اس آی که بازهم یک تکه کاغذ است!

جالب است در جوامع جهان سوم انسان ها با این تکه کاغذ ها اعتبار پیدا می کنند و ارتقا میگیرند! جهان



توقف ممنوع



نویسنده:
علی سلطان محمدی

و از همه‌ی این‌ها میگوید، به ما می‌فهماند دیگر وقت آن است که آستین‌هایمان را بالا بزنیم. مرد کشورمان و چشم‌هایی که در انتظار درخشیدن جوانان ایرانی هست را بیش از این منتظر نگذاریم. اگر قرار است کاری را رقم بزنیم، نگوییم بماند برای کارشناسی ارشد، نگویید دکتری، نگوییم چند سال بعد، همین فردا! قول فردایان را با عملتان بسنجید اگر توقف ممنوع برای شما اردوی یک هفته‌ای است، برای طراحانش مسیر است. مسیر در نگاه اول پیچ و خم زیادی دارد اما لازمه شروع مسیر، عزم و اراده است.... عزمتان را جزم، چراغتان را روشن، سرعتتان را زیاد کنید و بیایید با هم در این مسیر حرکت کنیم. غفلت از تابلوی کنار مسیرمان هم جرمیه برایمان در پی دارد، روی این تابلو نوشته شده:

در این مسیر توقف ممنوع است ...

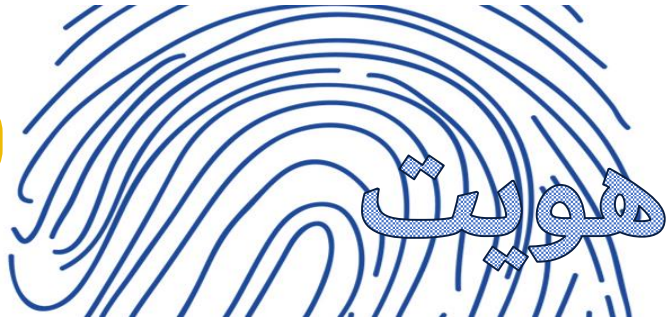
✓ و به هر نحوی توقف اینجا ممنوع است ...

اردوی توقف ممنوع شاید ۳ سالی میشود که بزرگترین اردوی دانشجویی کشور را رقم میزند هر سال سعی کرده است کاستی‌های خود را بکاهد و به پار خود اضافه کند. بهتر است بگوییم جنس توقف ممنوع از جنس آن اتفاقاتی نیست که در برخی از جاهای کشور رقم میخورد؛ بی رمقی، بی حالی، خود بزرگ بینی و صد ها عیب دیگر، مقابله با این آفت‌ها یک جریان است، آن هم جریانی به بزرگی توقف ممنوع. از هر چه بگذریم سخن دوست خوش تر است : علم زدگی، مصرف گرایی، تنبلی، خستگی، ناامیدی، عدم مسئولیت پذیری و از همه مهم‌تر فقدان مسئله محوری. شاید اگر بخواهیم این کلمات را در قالب یک جمله یا سطر بنویسیم ساختمان باشد. توقف ممنوع آمده است که ریشه همه این‌ها را از تیشه بزند. هر چند که توقف ممنوع در پیوست‌های تفریحی که عضو جداناپذیر اردوهای دانشجویی است نیز غافلگیرتان می‌کند اما اصل موفقیتش به سفر بندرعباس، ساحل گردی و خرید جزیره قشم نیست و نقطه‌ی عطفش دقیق شدن چشمانمان به مسائل کشور است. توقف ممنوع نیامده است که بگوید بروید کشورتان را بسازید و ولتان کند و شما بروید در ناکجا آباد دنبال این آبادی میهن بگردید. اگر شعاری میدهد دستان را میگیرد و میبرد به همان جایی که باید. در یک هفته از کاستی‌ها، از ضعف‌ها، از قدرت‌ها، از موفقیت‌ها





نویسنده:
محمد عیوض نژاد



گاهی یک دانشجو، یک ایرانی یا یک همسر، پدر و مادر و همچنین در موقعیت های شغلی! مجموعه نقش هایی که در جایگاه های مختلف بر عهده ما گذارده میشود، هویت ما را میسازد.

همانگونه که برای رسیدن به نقطه مطلوب و بهتر، می بایست تا موقعیت و نقطه فعلی را بدانیم تا تشخیص بدهیم به چه سمتی برویم، برای دستیابی به اهدافی که بواسطه نقش ها برای ما وجود می آید میبایست بدرستی هویت فعلی مان که مجموعه ای از همین نقش ها و ابعاد آنهاست را بدرستی بشناسیم تا در شناخت اهداف چار خطا نشویم. چرا که این خطر وجود دارد که در صورت نداشتن دید درست نسبت به اهداف، سرمایه و استعداد های مان را در مسیر غلطی هزینه کنیم.

بنابراین، شناخت هویت همانند قطب نمایی است که به ما یادآوری میکند که هستیم، کجاییم و به کدام جهت باید برویم.

اما نکتهی بسیار مهمتر از شناخت نقش ها و هویت، چگونگی تعریف ما از آن هویت و ابعاد متاثر از آن و در جایگاه مهم تر شناخت منشا آن بینش است! یعنی باید بدانیم این هویت و تعریفمان از آنرا، متاثر از چه جریان، آرمان، تفکر و چه افرادی تشخیص داده ایم و پذیرفته ایم! نکته ای که شاید از بی هویتی (شناختن هویت) هم بسیار خطرناکتر باشد!

کسی که در تشخیص هویت خود و تعریف از آن هویت مستقل عمل نکند، قطعاً هستند آنهایی که او را منفعمانه مشغول ابعاد و شمول هویتی جدید و

آدمها بواسطه قرارگیری در موقعیت های مختلف، یک سری نقش هایی پیدا میکنند، که در نتیجه این نقش ها، مسئولیت ها، محدودیت ها، حقوق و امتیازات متمایزی را شامل می شوند. برای مثال، نقش و مسئولیت ما در دانشگاه بعنوان یک دانشجو بسیار متفاوت خواهد بود با نقش ما در مدرسه بعنوان یک دانش آموز! حتی در یک تک بعد تحصیلی، نحوه ی رفتار و ایفای نقش ما در هر دو موقعیت با هم متفاوت است! اگر کسی این تفاوت را نپذیرد و به آن عمل نکند، در هر دو جایگاه، موفق نخواهد بود! اصولاً موفقیت در هر چیزی، یعنی شناخت درست، تعریف صحیح و انجام مجدانه نقش های متاثر بر آن اهداف!

اگر کسی اصول حاکم بر هر نقش را نشناسد، نپذیرد و بدرستی ایفا نکند، مطمئناً در ابعاد متاثر از آن نقش به مشکل خواهد خورد! چرا که ما مجبور به پذیرش درست نقش ها هستیم. و اگر این اتفاق نیفتد، یعنی با نقش ها نسبت درستی نگرفته ایم، در نتیجه در روزمره ی زندگی دچار تناقضات زیادی میان آنچه میخواهیم، آنچه هست و آنچه باید باشد خواهیم شد!

این گفتمان باید در ذهن ما نقش ببندد که نقش های فردی و اجتماعی مان را در هر جایگاهی که هستیم، جستجو کنیم، تشخیص بدهیم، بشناسیم و به آن عمل بکنیم! چراکه پذیرش ما در هر موقعیتی، وابسته است به نحوه ایفای نقش های متاثر از آن موقعیت. اصولاً چیزیکه از ما در هر موقعیت انتظار میرود، همین نقش هاست! در جایی به عنوان یک فرزند، جایی یک همسایه،

میکند. محیط یک خانواده، کلاس درس، داخل یک تاکسی، و محیط‌هایی پر جمعیت تری چون دانشگاه، شهر، کشور، و در ابعادی جهانی که در آن زندگی میکنیم، مستقیماً از رفتارهای فردی و اجتماعی ما تأثیر می‌پذیرند. اساساً شرایط تمام محیط‌های بزرگ و کوچکی که در آن هستیم، بواسطه رفتارهای

نشأت گرفته از هویت تک تک افراد و اعضای آن جامعه است. که وقتی از دیدگاه تأثیر گذاری کنش تک تک ای افراد بر افراد دیگر، میتوانیم با قطعیت بگوییم که رفتار و اعمال کوچک و بزرگ هر یک از افراد، به تنهایی آثار بزرگی را در پی دارد و می‌تواند سرنوشت‌ها را تغییر دهد.

این باور تأثیر گذاری باید در افراد جامعه شکل بگیرد، ملل و جوامع وقتی به پیشرفت میرسند که اعضای آن جامعه، تأثیر گذاری خود را بر آن جامعه بپذیرند و برای تغییر و بهبود شرایط خود و محیط پیرامونی‌شان، هر چند کوچک تلاش میکنند

ابزاری که گاه دشمنان ملتها بر علیه آنها بکار میگیرند، از بین بردن یا به انحراف کشاندن این هویت جمعی است! تا اعضای یک جامعه نپذیرند که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»

دستکاری شده و جعلی ای خواهند کرد تا مقاصد و سود خود را از او و رفتار نو تصمیمات متأثر از آن هویت دریافت کنند.

اصولاً کار رسانه همین است! رسانه‌ها سعی بر این دارند تا در اعماق اهداف خود، با هویت‌های جامعه مخاطب و تعاریف او از آن‌ها بازی کنند و آنها را آنگونه که خود میخواهد، تغییر دهند تا او را وادار به کار و تصمیمی کنند که در پشت صحنه برای مخاطب ترتیب داده اند؛ گاه دلسوزانه و در جهت فرهنگسازی، گاه سودجویانه و در جهت استعمار فکری!

مقام معظم رهبری میفرمایند: «وقتی یک جوان احساس هویت کرد، از انحراف، از خیانت، از سستی و تنبلی پرهیز خواهد کرد؛ عمده این اشکالاتی که گاهی پیش می‌آید، به خاطر این است که آن احساس هویت حقیقی، احساس هویت ملی، در یک انسان وجود ندارد. وقتی احساس هویت وجود نداشت، دیگران میتوانند او را به این سمت و آن سمت بکشند. "میکشد از هر طرف چون پَر گاهی مرا / وسوسه‌ی این و آن دمدمه‌ی خویشتن!" احساسات هست، غرایز هست، انگیزه‌های درونی هست، شیطان‌های نفس‌ما هست، از بیرون هم ده‌ها دست‌ما را به این سمت و آن سمت میکشند، آن چیزی که نمیگذارد مامنحرف بشویم، پایبندی ماست، احساس هویت ماست!»

میزان التزام ما به اصول و قواعد هر نقش، علاوه بر اینکه هویت ما را میسازد، محیطی را که بواسطه آن، نقشی را دریافت نموده ایم را نیز دچار تأثیر و تغییر



پیشرفت توسعه؟

نویسنده:
متین رخشانی



ما نمیخواهیم یک اصطلاح جا افتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن میفهمند، بیاوریم داخل مجموعه ی کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه میکنیم؛ این مفهوم عبارت است از "پیشرفت"... مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما "پیشرفت" را به کار میبریم و تعریف میکنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست».

بر این راستا ما در این مقاله به بررسی برخی از معیارهای مختلف پیشرفت یک کشور که نقش دانشجو یا دانشگاه میتواند در آنها پررنگ باشد میپردازیم:

در ابتدا، بیان این نکته ضروری است که پیشرفت جریانی چند بعدی است و در عرصه های مختلف زندگی انسان و نه فقط در عرصه اقتصاد ظاهر میشود. پیشرفت مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابریها و ریشه کن کردن فقر مطلق است. با توجه به این اصول برای دستیابی به مفاهیم متداول پیشرفت (مانند مفاهیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) نیاز به یک تغییر فرهنگ گسترده و فراگیر داریم. اما مسأله ی اساسی در این جاست که جا انداختن فرهنگ پیشرفت، ضرورت، ملزومات و پیشنیازهایش و به عبارتی «حرکت به سمت پیشرفت» در جامعه کاری بسیار زمانبر، دشوار و نیازمند برنامه ریزی دقیق است که این امر لزوم تغییرات اساسی در سیستم آموزشی کشور، تبلیغات گسترده و جریانسازی های هدفمند را برای ما مشخص میکند. حال، برای ایجاد این سطح از

امروزه نقش ویژه دانشجویان در رشد و شکوفایی کشور بر کسی پوشیده نیست، نقشی که اگر به شکل درست خود هدایت و انجام شود و دانشجویان در مسیر مناسبی ریل گذاری شوند می تواند آثار بسیار خوبی را برای کشور رقم بزند.

باید همچنین یادآور شد افزون بر فعالیت های علمی و تحقیقاتی دانشجویان که در رشد کشور موثر بوده، امروزه تشکل های دانشجویی و افراد فعال در جریان های دانشجویی مطالباتی را در سطح جامعه پیگیری می کنند که توانسته ثمرات بسیار زیادی را برای میهن اسالمی به همراه داشته باشد و باعث کاهش بسیاری از مشکلات در زمی نه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شود، جریانی که نیازمند تقویت هر چه بیشتر از سوی مسئولان کشور است.

در همین راستا، یکی از نقشهای اساسی که دانشگاه یا جریان دانشجویی میتواند در آن ایفای نقش بکند، پیشرفت همه جانبه ی کشور است. واژه ی پیشرفت را ما عمداً به جای توسعه به کار بردیم چون در واقع ما به دنبال ایجاد یک الگوی ایرانی-اسلامی در کشور هستیم تا صرفاً بخواهیم توسعه‌ای (بر مبنای آنچه در دیگر کشورها اتفاق افتاده است) داشته باشیم.

رهبر معظم انقلاب در بیان تفاوت پیشرفت و توسعه میفرماید: «کلمه "پیشرفت" را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعداً "توسعه" کلمه "توسعه" را به کار ببریم. علت این است که کلمه ی توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم.

بسیاری هم به ارزشها و حقوق معنوی یک انسان میکند؛

لذا ابعاد انسانی پیشرفت بسیار مهم است به همین دلیل بسیاری از معیارهای آن به همین قضیه اختصاص دارد؛

-در یک جامعه ی پیشرفته، انتقاد از مسئولان دولتی پیگرد قضایی در بر ندارد و اعتراضات صنفی، گزاره ای عادی و علی السویه تلقی میشود.

-در همین جامعه قوه قضاییه دارای شفافیت کامل بوده و دادگاه ها تحت نظارت اعضای هیئت منصفه منتخب مردم میباشند، همچنین پاسخگویی مسئولین نیز به رسانه ها امری طبیعی و مرسوم است.

-در این جامعه، سیستم مالیات گیری کاملاً دقیق بوده و فرار مالیاتی نه تنها زرنگی و افتخار محسوب نمیشود بلکه دزدی از ملت و دست در جیب آنان کردن قلمداد میشود.

بعد از عوامل اجتماعی پیشرفت، عوامل اقتصادی پیشرفت مطرح میشود که در اندازه گیری پیشرفت یک کشور شاخص مهمی میباشد.

-در ابتدا، از پایه ای ترین ویژگیهای یک اقتصاد پیشرفته آن است که دولت آن کوچک و بخش خصوصی اقتصاد آن بزرگ باشد.

-در این جامعه رقابت اقتصادی سالم است و افراد نزدیک به قدرت، از رانت اقتصادی و اطلاعاتی بهره مند نیستند.

-اقتصاد در این جامعه از حالت مصرفگرا خارج شده، یعنی صادرات مواد خام به خارج در آن به حداقل رسیده و بالعکس وارد کننده این مواد برای استفاده کارخانجات در جهت اضافه نمودن ارزش افزوده به آن و تولید کالای جدید میباشد.

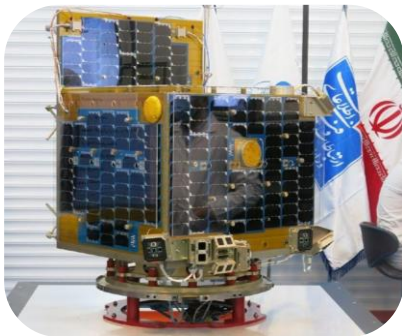
-الگوی توزیع درآمد نیز نقش بسیار مهمی را داراست. بیشتر بودن درآمد یا تولید ناخالص ملی الزاماً موجب برخورداری بیشتر آحاد جامعه نیست. برخورداری و رفاه جامعه بستگی به توزیع مناسب درآمد دارد. توزیع درآمد در یک کشور غیر پیشرفته نسبت به کشورهای پیشرفته از شدت نابرابری بیشتری برخوردار است. نکته مهم تر آنست که نابرابری توزیع درآمد در کشورهای غیرپیشرفته سبب پدید آمدن موقعیت ممتاز، شأن و منزلت اجتماعی ویژه ای برای ثروتمندان می شود که انواع تبعیض ها را به همراه دارد.

تغییرات کلان در کشور، دانشگاه یکی از نهادهایی است که نقش کلیدی را در این میان بازی میکند. بدان معنا که جامعه دانشگاه اعم از دانشجویان، اساتید و سایر نهادهای وابسته میبایست در ابتدا برنامه های خود را بر مبنای اهداف جدید و کلان کشور تنظیم کنند و فعالیت های علمی، پژوهشی و فرهنگیشان را بر این اساس قرار دهند. سپس در گام بعدی، ایجاب میکند که جنبش دانشجویی کشور، در قالبهای مختلف اعم از تشکلهای دانشجویی، نسبت به جریانسازی پیشرفت، در اصول حاکم بر آن اقدام کنند. این جریانسازی میتواند در قالب های بسیار متنوع شامل برگزاری میزهای گرد دانشجویی، برگزاری نشستهای مختلف و دعوت از مهمانان متخصص برای جا انداختن این مفهوم مهم باشد.

بعد از توضیح درباره ی مفهوم پیشرفت، فرق آن با توسعه و مهمتر از همه ی اینها، نقش اساسی دانشجو در آن، اکنون اندکی بیشتر وارد معیارها و یا به عبارت بهتر شاخصه های آن می شویم. لازم به ذکر است که موارد ذکر شده در پایین تنها مصادیقی بسیار محدود از ابعاد پیشرفت یک کشور است و وقوع پیشرفت در کشور به ابعاد گوناگون دیگری هم وابسته است.

یکی از مهمترین تفاوتهای مفهوم پیشرفت و توسعه در مقاصد آنهاست. بر همین اساس، هدف اصلی توسعه لزوماً ترقی و رشد یک کشور به گونه ای است که بالاترین اهداف اقتصادی و رفاه یک انسان را تامین کند ولی پیشرفت علاوه بر اهداف مادی، توجه





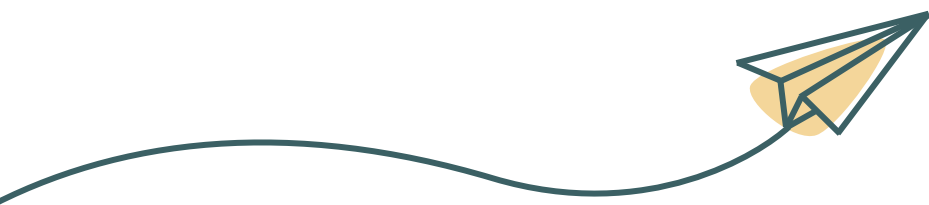
ما در اینجا به بیان برخی از شاخصه های پیشرفت پرداختیم: در این موقعیت، از مهمترین وظیفه های جنبش دانشجویی، مطالبه گری و جریانسازی در مورد هر یک از ویژگی های ذکر شده بالاست.

البته رسالت اصلی دانشگاه در کشور و به تبع آن، پیشرفت کشور همچنان مطرح است که آن، چیزی جز «قطب علمی کشور» بودن نیست:

- برای دستیابی به پیشرفت باید شاخصه های مثبت توسعه را شناخت و آنها را برای تحقق اهداف به کار برد. یکی از این شاخصه ها ریسک پذیری بالا است. داشتن قدرت ریسک پذیری و جسارت برای نوآوری یکی از نقاط مهم برای دستیابی به توسعه و پیشرفت است. ریسک پذیری امری است که در کشورهای توسعه یافته به شدت مورد توجه بوده و در رشد و توسعه این کشورها نقش اساسی ایفا میکند. اقتصاد معاصر، دانش بنیان بوده و به شدت وابسته به نوآوری است: به طوری که دانش و نوآوری یکی از موتورهای توسعه تلقی میشود. پیش زمینه نوآوری نیز ریسک پذیری است. اگر ریسک احتمالی به نتیجه نرسیدن الگوها و برنامه های جدید را نپذیریم، مطمئناً از منافع احتمالی الگوهای جدید بهره مند نخواهیم شد. در جامعه ای که ریسک پذیری وجود نداشته باشد، تغییر ساختارها و رویه ها با مشکل مواجه میشود و عملاً امکان حرکت به سمت اهداف وجود ندارد.

در متن بالا، به وضوح به نقش خطیر «دانش بنیان» بودن دانشگاه اشاره شده است. این بدان معناست که کسب و به کارگیری دانشی که در دانشگاه به دانشجوی آموخته میشود، باید هدفمند و مسأله محور بوده و بتواند سبب تعالی کشور شود نه اینکه صرفاً صرف این شود که چگونه میتوان با استفاده از این دانش، سود بیشتری در مقوله اقتصادی کسب کرد،





شروع حرکت از لحظه ای است که تو می فهمی
از همه چیزهایی که با آن مأنوس هستی،
بزرگتری!

چشمه

استادعلی صفایی حائری

حرکت / ص ۲۱



نور امید

ایران هشتمین کشور فضایی

نمونه‌ی بارز غلبه‌ی اراده‌ی ملت، این است که در اوج تحریم‌ها
ماهواره‌ی امید را به فضا پرتاب کرد. مقام معظم رهبری